

کارگران فصلی روزمزد میوه چین

نگاهی به کارگران روزمزد توت‌فرنگی چین در کردستان

دنیای پر زرق و برق سرمایه‌داری در گوشه‌وکنار این دنیا افراد طبقه‌ی کارگر را ناچار به انجام کار مزدی برای صاحبان سرمایه و ابزار تولید کرده است. در شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری که مداحان فراوانی دارد و دم از رفاه و آسایش و دست‌آوردهای نیک این مدل اقتصادی می‌زنند بنا بر ذات همواره حامل تضاد خود، آن رفاه و آسایشی که تقدیس‌گرایانش از آن سخن می‌رانند نصیب قشر اندکی از جامعه یعنی همان صاحبان سرمایه می‌شود و تنها چیزی که نصیب کارگرانش می‌شود رنج و فلاکت و زندگی مشقت‌بار است. مادامی که این افراد نیروی کار خود را در ازای مزد می‌فروشند و مالکیتی بر ابزار تولید ندارند و از ثروت آفریده شده به دست خود بی‌نصیب هستند در جایگاه کارگری قرار دارند که هر روزه مورد غضب و استثمار صاحبان کارشان یعنی همان سرمایه‌داران، واقع می‌شوند.

این سیستم پر از لجن و کثافت سرمایه‌داری برای لاپوشانی ظلم و استثمار موجود، ابزارهایی را برای استتار واقعیت به کار می‌گیرد. کارکرد این پرده‌ی کاذب برای بورژوازی در جهت حفظ و گسترش مناسبات سرمایه‌داری و هموار کردن راه برای گردش سرمایه و انباشت بیش‌تر سرمایه است. از دیگر کارکردهای آن، کسب رضایت عمومی از خود سیستم است، یعنی تن دادن به وضعیت موجود، خواه از طریق زور باشد خواه از طریق رضایت و وعده‌های دروغین و رفاه و آسایش عمومی هرگز تحقق نیافته‌ی آن (هرچند که بیش‌تر ترکیبی از این دو است یعنی زور و رضایت) که وظیفه‌ی خود یعنی حمایت از طبقه سرمایه‌دار برای کسب سودهای کلان و سرکوب کارگران و جلوگیری از مبارزات کارگری را به انجام می‌رساند.

مزد یکی از آن ابزار و پدیدارهایی است که دزدی صاحبان سرمایه از کارگران را در ظاهر پوشانده و وجهی قانونی به این دزدی می‌بخشد، تو‌گویی کارگران همان قدر که کار می‌کنند مزد هم می‌گیرند و عدالت برقرار است. اما اگر این چنین بود اصلاً سرمایه‌داری هم وجود نداشت. چون بدون استثمار و به جیب زدن دست‌رنج کار کارگر، سودی عاید سرمایه‌دار نمی‌شود. آن بخش از کار کارگر که شخص مالک سرمایه و ابزار تولید به جیب می‌زند ارزش اضافی نامیده می‌شود. ارزش اضافی حاصل همان ساعات کاری است که مزد آن پرداخت نشده است؛ یعنی کارگر در این ساعات بدون دریافت مزد برای سرمایه‌دار ارزش‌آفرینی می‌کند.

کارگران فصلی میوه چین، آن دسته از طبقه‌ی کارگر هستند که مانند تمامی کارگران مورد ظلم و ستم شدید قرار گرفته‌اند. این کارگران در سرتاسر ایران و مخصوصاً استان‌هایی که به تولید محصولات کشاورزی می‌پردازند فراوانند، مانند استان مازندران (نارنگی، برنج)، رفسنجان (پسته)، طارم (زیتون) و استان کردستان (توت‌فرنگی).

همان‌طور که از اسم‌شان پیداست این کارگران فصلی هستند؛ یعنی مابقی فصول سال بیکار هستند و از تأمین مایحتاج خود و خانواده‌ی عاجز. اما آن‌چه که حائز اهمیت است بررسی شرایط کار، دست‌مزد، حقوق و مطالباتی است که در فصل اشتغال به کار نیز از آن محروم‌اند. از مطالبات برحق تمامی کارگران می‌توان به بیمه اشاره کرد. اما متأسفانه بیش‌تر کارگران در بخش‌های مختلف از این حق اولیه‌ی خود بی‌بهره بوده و هزینه‌ی حوادث پیش آمده حین کار را باید از جیب خود پرداخت کنند. این در حالی است که حقوق دریافتی‌شان حتی کفاف مخارج زندگی عادی را نمی‌دهد، چه برسد به هزینه‌های گزاف بیمارستان.

روزانه نیز شاهد اخبار فراوانی از تصادف ماشین حمل کارگران میوه چین به محل کارشان هستیم. این اتفاق به‌وفور در جای‌جای مختلف ایران اتفاق می‌افتد. این حوادث نه تنها برای کسی اهمیتی ندارد، بلکه آن را اتفاقی عادی قلمداد می‌کنند. اگر از سختی‌های فراوان این کار، یعنی میوه‌چینی مخصوصاً برداشت توت‌فرنگی، و عوارض ناشی از این کار طاقت‌فرسا چشم‌پوشی کنیم، کارگران این بخش از هرگونه خدماتی از قبیل ایاب و ذهاب، غذا و... بی‌نصیب‌اند.

غذای کارگران بر عهده‌ی خودشان بوده و ناچار هستند همان صبح اول وقت قبل از حرکت مقداری غذا و خوراکی را برای نهار به همراه خود ببرند. کارفرما از آن‌جایی که در فکر جیب و منافع خود است از دادن غذا خودداری می‌کند. آن‌هایی هم که به کارگران خود غذا می‌دهند پنجاه هزار تومان از حقوق‌شان کم می‌کنند. حتی سایر لوازم کار مانند دستکش و... را نیز باید از حقوق ناچیز خود تهیه کنند. حقوق ناچیز کارگران توت‌فرنگی در کردستان روزانه ۳۰۰ هزار تومان است؛ ولی زمانی که هزینه‌هایی چون غذا و وسایل کار را از آن کم کنیم تقریباً حدود ۲۰۰ هزار تومان برای کارگر باقی می‌ماند، یعنی تقریباً در هر ماه و با حساب کردن کار در روزهای تعطیل و جمعه (بدون اضافه دستمزد) می‌شود ۶ میلیون تومان.

از آن‌جایی که کارگران فصلی میوه‌چین برای پیگیری مطالبات خود دست‌شان به جایی بند نیست و مانند کارگران کارخانه‌جات تولیدی به رسمیت شناخته نشده‌اند، شرایط برای‌شان به شدت دشوار و اسفناک است.

متأسفانه آمار دقیقی از تعداد کارگران روزمزد میوه‌چین در دسترس نیست و به دلیل پراکندگی و در ارتباط نبودن کارگران شهرها و استان‌های مختلف با یکدیگر هیچ‌گونه سنگر مقاومتی در برابر زیاده‌خواهی‌ها و طمع روزافزون سرمایه‌داران ندارند.

در برخی شهرستان‌ها بیش‌تر کارگران میوه‌چین را، زنان طبقه کارگر تشکیل داده‌اند؛ زنانی که به‌واسطه‌ی جایگاه طبقاتی‌شان با استثماری مضاعف مواجه‌اند. یعنی روزانه به مانند یک کارگر برای امرار معاش و کمک خرج بودن خانواده مجبور هستند نیروی کار خود را بفروشند و از طرفی نیز زمانی که به خانه برمی‌گردند باید تمامی کارهای خانه را انجام داده و به بازتولید نیروی کار خود و اعضای خانواده برای توان خدمت دوباره به سرمایه‌داران بپردازند.

از دیگر مشکلات زنان طبقه‌ی کارگر، میزان دست‌مزدی است که دریافت می‌کنند. این زنان از روی ناچاری و جبر اقتصادی نیروی کار خود را با مزد کمتری به نسبت مردان هم‌طبقه‌ای‌شان می‌فروشند. این در حالی است که در امر کشاورزی و برداشت میوه‌ی توت‌فرنگی به مانند مردان هم‌طبقه کار کرده و ارزش اضافی فراوانی را با صرف نیروی کار بدنی و ذهنی خود، به محصول نهایی منتقل می‌کنند. از این روست صاحبان کار که چیزی جز ارزش اضافی بیش‌تر و سود بیش‌تر برای‌شان مهم نیست، به دلیل تفاوت مزد مردان و زنان، ترجیح‌شان استخدام زنان طبقه‌ی کارگر است. در این جا مسئله‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد نه جنس زن یا مرد بودن کارگران، بل که میزان ارزش اضافی‌ای است که خلق می‌کنند.

کارگران فصلی مربوط به برداشت توت‌فرنگی باید مسافت طولانی را تا محیط کار طی کنند، این کارگران که بیشتر در حاشیه‌ی شهر و هم‌چنین در شهرک‌های حاشیه‌ی اطراف شهر ساکن هستند باید برای این که به‌موقع سر کار برسند و داد کارفرما در نیاید ساعت ۵ از خواب بیدار شده و راهی زمین‌های کشاورزی شوند. از آن طرف بعد از ۸ ساعت کار و گاهی بیش‌تر باید دوباره آن مسافت طولانی را بپیمایند تا به کاشانه‌شان برسند. اگر مجموع ساعاتی که این کارگران یعنی ساعاتی که در مسیر رفت و برگشت به سر می‌برند و ساعات کاری را در نظر بگیریم، در کل و در طول روز ۱۲ ساعت از زندگی‌شان صرف همین کار می‌شود.

در واقع، کل اصول سرمایه‌داری بر پایه ارزش اضافی‌ای می‌چرخد که کارگران تولید می‌کنند. سرمایه‌داران روزبه‌روز به دنبال افزایش استخراج ارزش اضافی هستند. این تلاش سرمایه‌داران برای کسب سود بیش‌تر و کوچک‌تر کردن سفره‌ی کارگران، هر روزه ادامه دارد. کشاورزانی (کارفرمایانی) که خود مالک زمین هستند و آن‌هایی نیز که زمین اجاره می‌کنند تمامی سودشان از دل کار کارگران نشأت می‌گیرد. به این شکل که اگر کارگران نبودند فرد قادر به انجام دادن کارهای سخت و طاقت‌فرسای کشاورزی نخواهد بود.

هم‌چنین، هم فردی که زمین را اجاره کرده و هم کسی که اجاره داده است از تقسیمات ارزش اضافی منتفع می‌شوند. طوری که صاحب کار (فرد کشاورز) در ازای به کار گرفتن کارگران، بخش اندکی از ارزش خلق شده به دست خودشان را در قالب مزد به آن‌ها می‌دهد و از ارزش اضافی خلق شده، اجاره‌ی زمین را نیز می‌پردازد و سود خود را هم برداشت می‌کند.

در دنیای سرمایه‌داری هر کس به فکر سود و منفعت شخصی خود است. در میان کارگران فصلی میوه‌چین، مانند تمامی کارگران بخش‌های دیگر، تعداد اندکی از کارگران هستند که در لایه‌های فوقانی قرار گرفته و با انجام یک

سری خدمات به نفع سرمایه‌دار و به ضرر کارگران هم طبقه‌ای خود، از حقوق بیش‌تری برخوردار می‌شوند. البته باید اشاره کرد که این چنین کارگرانی که جایگاه و هم طبقه‌ای‌های خود را فراموش کرده و به جای اتحاد با آنان به زیان‌شان عمل می‌کنند، خود نیز از منتفعین ارزش اضافی خلق شده به دست سایر کارگران هستند. مثلاً در میان کارگران میوه‌چین بعضی از آن‌ها بعنوان سرکارگر وظیفه‌ی کنترل کارگران حین کار را برعهده دارند تا با امر و نهی‌های خود و سرعت دادن هرچه بیشتر به کار کارگران منافع سرمایه‌دار را تضمین کنند.

هم‌چنین بعضی از آنان نیز که با صاحب کار در ارتباط هستند، در ازای پیدا کردن کارگر برای روزهای مشخص، به ازای هر کارگر ۲۰ هزار تومان دریافت می‌کنند. یعنی اگر در روز ۵۰ کارگر را برای کارفرما بفرستند، یک میلیون تومان دریافت می‌کنند. منبع این مقدار پول اضافه اگرچه در ظاهر از حقوق سایر کارگران کم نشده باشد اما در واقع مقداری از ارزش اضافی خلق شده توسط همان کارگران است. چنین است ظلم و استثمار مورد بحث در حق کارگران؛ و در نهایت کارگران سهم‌شان از ثروت آفریده شده به دست خودشان بسیار اندک و ناچیز است.

البته تعدادی از کارگران به دلیل تجربه‌ی چندساله در امور کشاورزی در قسمت‌هایی مشغول به کار می‌شوند که دارای شدت کار کمتری است. مثلاً در کار کارگران توت‌فرنگی عده‌ای در بخش بسته‌بندی محصول مشغول به کار می‌شوند که در مقایسه با برداشت‌کننده‌گان میوه سختی کمتری را متحمل می‌شوند. این در حالی است که کارفرما اضافه‌مزدی را برای کارگرانی که در برداشت میوه فعالیت می‌کنند و از اول صبح تا زمان اتمام کار زیر نور آفتاب با کمر خمیده باید سختی کار را تحمل کنند، در نظر نمی‌گیرد و همین امر باعث تشدید شکاف و رقابت بین کارگران می‌شود.

کارگران در هر بخش و حوزه‌ای که باشند باید به شناخت و درک درستی از جایگاه کارگری و طبقاتی خود و اهمیت جایگاه‌شان در فرایند تولید برسند و با مجهز کردن خود به سیاست کارگری و آگاهی سیاسی-طبقاتی، منافع تاریخی خود و هم طبقه‌ای‌های خود را به جای منافع شخصی در اولویت قرار داده و در برابر سیاست و ایدئولوژی فریبنده‌ی سرمایه‌داری بایستند و راهی را بپیمایند که سعادت و بهروزی کارگران و زحمت‌کشان حاصل شود.